

به نام خدا

تمرین دوم پایگاه داده

چمران معینی

۹۹۳۱۰۵۳

سوال اول

می‌دانیم که عملگر *select* یک عملگر *basic* است. عملگر *intersection* دو عملگر *select* را با یکدیگر ترکیب می‌کند، امام تنها سطرهایی را بازمی‌گرداند که در *select* اول موجود هستند و سطرهایی دقیقاً مشابه آن‌ها، در *select* اول نیز موجود است.

سوال دوم

کوئری اول را بررسی می‌کنیم. این کوئری، حاصل ضرب کارت‌زین نتیجه‌ی دو کوئری زیر است:

```
SELECT A FROM R WHERE B = 1
```

```
SELECT A FROM S WHERE B = 1
```

یعنی ابتدا از هر دو جدول، سطرهایی را که مقدار ستون *B* مساوی ۱ است، انتخاب می‌کنیم و سپس آن‌ها را با هم ضرب می‌کنیم. اگر در جدول *R* برای مثال، ۲۰ سطر وجود داشته باشد، که از میان این ۲۰ سطر، ۴ سطر باشد که مقدار ستون *B* مساوی ۱ است، و در جدول *S* ۳ سطر باشد که مقدار ستون *B* مساوی ۱ است، این کوئری، ۱۲ سطر را باز می‌گرداند. حال کوئری دوم را بررسی می‌کنیم. در این کوئری، ابتدا ضرب کارت‌زین بین نتیجه‌ی این دو کوئری انجام می‌شود:

```
SELECT A FROM R
```

```
SELECT * FROM S WHERE B = 1
```

یعنی ابتدا از جدول *R* همه‌ی سطرها را انتخاب می‌کنیم و سپس از جدول *S* سطرهایی را که مقدار ستون *B* مساوی ۱ است، انتخاب می‌کنیم. اگر در جدول *R* ۴ سطر باشد و در جدول *S* ۳ سطر باشد، این کوئری، ۱۲ سطر را باز می‌گرداند.

در نهایت، یک عملگر *Project* هم روی نتیجه اعمال شده که ستون‌های *A* و *C* را بازمی‌گرداند. بر اساس فرضی که در بخش قبلی مطرح کردیم، در جدول *R* ۲۰ سطر وجود داشت. همچنین در جدول *S* ۳ سطر وجود داشت که مقدار ستون *B* مساوی ۱ باشد. در نتیجه، از ضرب کارت‌زین این دو، ۶۰ سطر به دست می‌آید. در نهایت، ستون‌های *A* و *C* از این ۶۰ سطر را داریم. در حالی که در کوئری قبلی، تنها ستون *A* از ۱۲ سطر را داشتیم. واضح است که این دو کوئری نتایج متفاوتی را بازمی‌گردانند. حال سومین کوئری را بررسی می‌کنیم.

در این کوئری ابتدا سطرهایی از جدول *S* انتخاب شده‌اند که در آن‌ها مقدار ستون *B* مساوی ۱ است.

سپس بین حاصل و کل جدول *R* عملگر *Natural Join* اعمال می‌شود. این عملگر، ابتدا ستون‌های مشترک را پیدا می‌کند و سپس سطرهایی را از جدول *R* انتخاب می‌کند که مقدار ستون‌های مشترک با سطرهای انتخاب شده از جدول *S* مساوی باشد. در این کوئری، ستون مشترک *B* است، پس مقادیری

بازگردانده می‌شوند که در آن‌ها مقدار B در هر دو جدول مساوی ۱ باشد. در نهایت هم یک $Project$ روی نتیجه اعمال می‌شود که ستون‌های A و C را باز می‌گرداند.

با فرض‌هایی که در بخش اول در نظر گرفتیم، این کوئری را نیز بررسی می‌کنیم. از اولین کوئری، تعداد ۳ سطر بازمی‌گردد.

هنگامی که روی این ۳ سطر و کل جدول R عملگر $NaturalJoin$ اعمال می‌شود، از آن جایی که در سه سطر انتخاب شده، مقدار ستون B مساوی ۱ است، از آن جایی که در کل جدول R هم در ۴ ستون این شرط برقرار است، نهایتاً ۱۲ سطر بازمی‌گردد و سپس ستون‌های A و C از آن‌ها باز می‌گردد. ظاهراً این کوئری، مشابه کوئری اول عمل می‌کند.

حال برای اطمینان، عملگرهای آنان را بررسی می‌کنیم.

در هر دو کوئری، ابتدا سطرهایی که در آن‌ها مقدار B مساوی ۱ است، از جدول S انتخاب شده است. در کوئری اول سپس یک ضرب کارتیزین میان این سطرها و سطرهایی از جدول R انجام می‌شود که مقدار ستون B در آن‌ها هم مساوی ۱ باشد.

این دقیقاً همان اتفاقی است که در کوئری سوم رخ می‌دهد هنگامی که عملگر $NaturalJoin$ اعمال می‌شود.

سوال سوم

(الف)

در کوئری اول، ابتدا تمام سطرهایی که در آن‌ها مقدار $salary$ بزرگتر مساوی ۹۰۰۰۰ است انتخاب می‌شوند. سپس مقادیر ستون‌های $name$ و $deptname$ از آن‌ها باز می‌گردد. پس نتیجه‌ی نهایی، جدولی به این شکل خواهد بود:

name	deptname
Einstein	Physics
Wu	Finance
Brandt	Comp. Sci.

اما در کوئری دوم، ابتدا ستون‌های $deptname$ و $salary$ با عملگر $Project$ انتخاب می‌شوند. سپس کوئری روی آن‌ها زده می‌شود تا سطرهایی که در آن‌ها مقدار $salary$ بزرگتر مساوی ۹۰۰۰۰ است انتخاب شوند. با توجه به این که در دیتایی که به این کوئری داده می‌شود، دیگر ستون $salary$ وجود ندارد، نتیجه‌ی نهایی، جدولی بدون سطر خواهد بود.

(ب)

دیدیم که در کوئری دوم، نتیجه‌ای نداشتیم. پس هنگامی که قرار است عملگر $Select$ اعمال شود، باید دقت داشت که از چه فیلدهایی استفاده می‌کند، چون اگر از فیلدی استفاده کنیم که در جدول‌هایی

که قبلا انتخاب شده‌اند، وجود نداشته باشد، نتیجه‌ی نهایی، جدولی خالی خواهد بود. به طور کلی بهتر است ابتدا عملگر *Select* اعمال شود و سپس عملگر *Project* اعمال شود.

سوال چهارم

(الف)

جدول $T1$ به این شکل است:

A	B
a1	b1
a2	b2
a3	b3

جدول $T2$ به این شکل است:

B	C
b1	c1
b1	c2
b2	c2
b2	c3
b2	c4